

خاموشی بهتر از اغماض و حاشیه روی

در این روزها رسانه های بیرون مرزی افغانی و قسماً رسانه های غربی در مورد اعلامیه اخیر شورای علمای افغانستان بحث دارند که گویا این شورا در پی برگشت نظام طالبانی میباشد. اما وقتی رئیس جمهور کشور در محفل برگزاری روز بین المللی زن اظهار داشت که علمای دینی در تدوین قانون اساسی کشور نقش داشتند، آنها به تساوی حقوق زن و مرد احترام قایلند و تبصره های رسانه های خارجی در زمینه اعلامیه اخیر شورای علمای نادرست است بیانگر این واقعیت است که رئیس دولت با محتویات این اعلامیه موافق و بنظر ایشان آنچه در اعلامیه آمده است کاملاً متناسب با قانون اساسی کشور میباشد. ماده های دوم و سوم قانون اساسی افغانستان که «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است و در افغانستان هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد» میرساند که در افغانستان بعد از طالبان دین و دولت از هم جدانیستند و علمای دینی میتوانند در طرح سیاست های بزرگ دولتی زیدخل باشند. وقتی در افغانستان بعد از طالبان هیچ قانون نمیتواند مخالف معتقدات و احکام دین اسلام باشد در اینصورت مندرجات اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر قوانینی که به تساوی حقوق همه افراد جامعه بدون در نظر داشت جنس، عقیده، مذهب، نژاد و رنگ تاکید دارد جای ندارد. اکثریت مطلق باشندگان افغانستان که پیرو دین اسلام میباشد و آنها همه حرکات و سکنات خود را مطابق شریعت غرا و سنت محمدی عیار میسازند چگونه میتوانند خلاف سوره نساء که از خلقت انسان ها «مرد اصل و زن فرع است» عمل کنند. بگونه مثال آیا شریعت اسلامی برای یک مرد حق نداده است که چهار زن داشته باشد و برای زن چنین یک امتیازی را قایل نشده است. و یا وقتی در اسلام به مسأله میراث میرسیم باز هم مرد ثروت بیشتری بدست میآورد و زن از چنین یک حق مساوی با مرد محروم است. از دو مثال ساده فوق باین نتیجه منطقی میرسیم آنطوری که در جوامع متمدن کنونی به مسأله تساوی حقوق مرد و زن مینگرند در دین اسلام چنین نیست و باین مسأله مهم که به زندگی و حقوق نیمی از بیکر جامعه انسانی ارتباط پیدا میکند برخورد کاملاً متفاوت و متضادی وجود دارد. وقتی اهل نظر و قلم افغان این تفاوت را درک نمیکند و یا آنرا عمداً مدنظر نمیگیرند و در این زمینه بحث میکنند او بجای آنکه کاستی های موجود در قانون اساسی را که ریشه مشکلات را در آنجا باید جستجو کنند یا اینکه علت را در آن ببینند توجه خویش را به معلول معطوف میدارد یا از ترس اینکه مبدا حکم تکفیر آنرا صادر ننمایند حاشیه روی میکند به تفرعات رومیآورد و جرأت آنرا ندارد به جرأت اظهار نماید که اسلام دیموکراسی معمول در غرب در یک قالب نمی گنجد و قانون اساسی دولت افغانستان با مقتضیات زمانه ما و جوامع متمدن امروزی وفق نداشته بلکه پاسخگوی شرایط سیزده قرن گذشته میباشد.

نویسنده متعهد افغان که خواهان افغانستان پیشرفته و مترقی است و دیگر نمیتواند شاهد و ناظر مصیبت های بیشمار مردمش باشد میباید از کاستی های قانون اساسی کنونی کشور بنویسد که این قانون پاسخگوی مقتضیات زمان نیست و میباید در آن تغییرات بنیادی آورد تا در کشور زمینه تصویب و تعمیم قوانینی که به پیشرفت افغانستان و تساوی حقوق همه اتباع جامعه بدون در نظر داشت جنس، عقیده، مذهب، رنگ و نژاد مساعدت نماید. در چنین شرایطی هیچکدام از عالم دینی، آخوند و مخالفی نمیتواند تا قانون اساسی را ملاک ادعاهای عقبگرانه، اهداف بیگانه، اندیشه های ضد ملی و ضد ترقی خویش قرار دهد و طالب تطبیق خواسته های مندرج قانون اساسی بمتابسه وثیقه پر اعتبار ملی گردد. اگر نویسنده به طرح پرلیم های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه عمیقاً بحرانی افغانی میپردازد نباید که از کاستی های قانون اساسی چشم پوشی نماید دو یا اینکه از پرداختن به پرلیم های اساسی جامعه که ناشی از عملکرد اربابان قدرت، مداخلات بیگانگان و وقعی نگذاشتن به واقعیت های افغانستان است طفره رفت در غیر آن بهتر خواهد بود تادر زمینه خاموشی اختیار نماید و از حاشیه روی، قلم فرسایی و معلومات فروشی جداً پرهیز نموده و بدینگونه نه خود و نه هم خواننده را فریب دهد و به نگارش داستان، رومان و شعر متوصل گردد.

پایان

دپانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته راوبولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ